



رابطه نهضت امام خمینی با مسئله مهدویت از زبان متفکر غربی/ چرا توجه به رابطه انقلاب اسلامی و مهدویت مهم است

دکتر شفيعی سروسناني با تبیین رابطه انقلاب اسلامی با مسئله مهدویت، به مقاله یکی از متفکران غربی در کنفرانسی در دانشگاه تل‌آویو اشاره کرد...

دکتر شفيعی سروسناني با تبیین رابطه انقلاب اسلامی با مسئله مهدویت، به مقاله یکی از متفکران غربی در کنفرانسی در دانشگاه تل‌آویو اشاره کرد و گفت: مارتین کرامر در مقدمه مجموعه مقالات این کنفرانس می‌نویسد: «طرفداران پرشور خمینی او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند. چنین عنوانی، به این معناست که پیروان خمینی قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه خمینی و علما، بازتابی از ستایش ائمه است، بدون داشتن چنین ستایشی انسان نمی‌تواند بر نظریه خمینی درباره حکومت، صحنه بگذارد».

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر ابراهیم شفيعی سروسناني دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه و از پژوهشگران و کارشناسان برجسته حوزه مهدویت و انتظار است و تاکنون آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله در این زمینه از ایشان منتشر شده که عناوین برخی از آنها به این شرح است: شناخت زندگی بخش؛ گفتارهایی در شناخت امام زمان(ع)، انتظار؛ بایدها و نبایدها، معرفت امام زمان(ع) و تکلیف منتظران، رسانه ملی و ترویج فرهنگ مهدویت. با وی در رابطه انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت به گفت و گو نشسته ایم که در پی می‌آید:

*** خبرگزاری مهر: ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار را چگونه تحلیل می‌کنید؟ آیا می‌توان گفت که این دو موضوع بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند؟**

**** دکتر ابراهیم شفيعی سروسناني: ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر و تأثر متقابل این دو از یکدیگر آنچنان بارز و آشکار است که حتی پژوهشگران و تحلیل‌گران غربی - کسانی چون مارتین کرامر، برنارد لوئیس، مروین زونیس، دانیل برومبرگ، مایکل ام. جی، فیشر - که در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (1984 م.) به بررسی و تحلیل نقش آموزه‌های شیعی در انقلاب اسلامی ایران پرداختند، به این موضوع توجه و در مقالات خود بر آن تأکید کرده‌اند.**

برای نمونه آقاي مارتین کرامر در مقدمه مجموعه مقالات این کنفرانس می‌نویسد: «طرفداران پرشور [امام] خمینی او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند. چنین عنوانی، به این معناست که پیروان [امام] خمینی قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه [امام] خمینی و علما، بازتابی از ستایش ائمه است. بدون داشتن چنین ستایشی انسان نمی‌تواند بر نظریه [امام] خمینی درباره حکومت، صحنه بگذارد». (تشیع، مقاومت و انقلاب: مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو 1984، ص 17)

در هر حال، ارتباط دوسویه و پیوند جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ مهدویت و انتظار را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد: نخست، از دیدگاه تأثیر فرهنگ مهدویت و انتظار بر انقلاب اسلامی و نقش این فرهنگ در شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب شکوهمند مردم مسلمان ایران و دوم، از دیدگاه اثرات انقلاب اسلامی بر فرهنگ مهدویت و انتظار و نقش این انقلاب در گسترش، پویایی و نهادینه شدن فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه اسلامی ایران.

*** به نظر شما در حال حاضر پرداختن به این ارتباط تا چه حد ضروری است و چه آثاری دارد؟**

**** تبیین و تفسیر این ارتباط و پیوند از هر دو دیدگاه یادشده ضروری است و می‌تواند هم در رشد و اعتلای انقلاب اسلامی و هم در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر فرهنگ مهدویت و انتظار بسیار مؤثر باشد؛ زیرا از یک سو، انقلاب اسلامی ریشه در باور مهدوی و مبانی انتظار شیعی دارد و به همین دلیل هر چقدر در تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر آن بر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران بکوشیم، در واقع موجب تقویت پایه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی شده ایم. از سوی دیگر، چون باور مهدوی و فرهنگ انتظار در ایران امروز به شدت متأثر از دیدگاه‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(قدس سره) است و احیای مجدد این باور و فرهنگ در ایران و سایر کشورهای اسلامی در چند دهه اخیر به مدد جریان انقلاب اسلامی بوده است، پرداختن به نقش انقلاب اسلامی در احیای فرهنگ انتظار و تأثیرات نهضت امام خمینی بر این فرهنگ، می‌تواند موجب رشد و ارتقا و تعمیق انتظار پویا و سازنده یا در ایران و جهان شود. یعنی همان قرائتی از انتظار که تحت تأثیر اندیشه امام راحل در ایران احیا شد. بنا براین، جا دارد که پژوهشگران و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های خود به این موضوع توجه و وجوه مختلف آن را با بهره‌گیری از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، کلام و علوم قرآن و حدیث بررسی کنند.**

*** به نظر شما فرهنگ مهدویت و انتظار چه تأثیری در شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران داشته است؟**

**** برای روشن شدن پاسخ این پرسش، لازم است مقدمه‌ای عرض کنم. درباره انقلاب جهانی امام مهدی(ع) همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا ما افزون بر انتظار فرج و چشم به راه بودن برای ظهور آن حضرت وظیفه‌ای در زمینه آماده‌سازی زمینه ظهور داریم یا خیر؟ برخی بر این باورند که ما وظیفه‌ای در این زمینه نداریم؛ زیرا ظهور امام مهدی(ع) تنها در گرو اذن**

خداوند است و هر زمان که اراده الهی به این امر تعلق گیرد، ظهور واقع می‌شود. بنابراین انسان‌ها نقشی در پیش افتادن یا پس افتادن ظهور و زمینه‌سازی برای آن ندارند. در مقابل این دیدگاه، برخی معتقدند که زمینه‌سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می‌توانند با اعمال شایسته خود ظهور امام مهدی(ع) را نزدیک‌تر کنند. حضرت امام خمینی(ره) معتقد به این دیدگاه بود و در سراسر دوران مبارزه خود همواره بر وظیفه و تکلیف همگانی برای زمینه‌سازی ظهور تأکید می‌کرد. دقیقاً بر اساس همین دیدگاه بود که ایشان نهضت اسلامی را در سال 1342 آغاز کرد و سرانجام هم با رهبری خود به پیروزی رساند.

برای تبیین بهتر دیدگاه امام خمینی(ره) در این باره، به گزیده‌ای از رهنمودهای ایشان در سه بخش اشاره می‌کنیم. در بخش اول، دیدگاه امام راحل(ره) را در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت و تکلیف آنها در زمینه فراهم کردن شرایط ظهور، در بخش دوم، دیدگاه ایشان را درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی ظهور امام مهدی(ع) و در بخش سوم دیدگاه آن رهبر فرزانه را در زمینه ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی تحلیل و بررسی می‌کنیم.

درباره دیدگاه امام خمینی در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت باید گفت: حضرت امام(ره) با ژرف‌اندیشی تمام، انتظار فرج را «انتظار قدرت اسلام» معنا کرده و فراهم آوردن مقدمات ظهور را یکی از وظایف منتظران می‌دانست و می‌فرمود: «همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود». (صحیفه نور، ج 7، ص 255)

ایشان در یکی دیگر از سخنان خود با نقد دیدگاه‌های موجود درباره انتظار، دیدگاه خود در این زمینه را این‌گونه بیان می‌کند: «البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی‌توانیم بکنیم. چون نمی‌توانیم، باید او بیاید تا بکند، ولی باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت». (همان، ج 20، ص 198)

از این سخنان، دیدگاه امام راحل(ع) درباره زمینه‌سازی ظهور به خوبی روشن می‌شود. دیدگاه امام راحل درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی(ع) را نیز می‌توان از واری سخنان ایشان در مقاطع گوناگون انقلاب اسلامی به دست آورد. از سخنانی که حضرت امام(ره) در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی ایراد فرمودند، به خوبی استفاده می‌شود که ایشان برپایی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را دو منزلگاه در طریق رسیدن به سر منزل مقصود و تشکیل حکومت عدل مهدوی می‌دانست و بر این باور بود که باید با اجرای کامل احکام اسلامی در عصر غیبت، زمینه را برای ظهور امام مهدی(ع) فراهم آورد.

در اینجا برخی از این سخنان را مرور می‌کنیم: «امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد». (همان، ج 16، ص 88) «امید است که این انقلاب جرعه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود». (همان، ج 15، ص 75). «من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر(ع) هست». (همان، ج 12، ص 175) «ان شاء الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند... و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء -». (همان، ج 15، ص 170). «خداوند بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فروریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان برخوردار فرما». (همان، ج 20، ص 118) «خداوند همه ما را از قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود - ارواحنا لمقدمه الفداء - رد کنیم». (همان، ج 19، ص 11)

دیدگاه بنیان گذار انقلاب اسلامی درباره ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی را نیز می‌توان این گونه تبیین کرد: حضرت امام خمینی(ره) در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود. ایشان در پی گسترش حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت‌ها از همه کشورهای اسلامی بود. ایشان، حرکت خود را در راستای قیام جهانی موعود(ع) می‌دید و انقلاب اسلامی ایران را مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم مهدوی ارزیابی می‌کرد. از همین رو، تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ گاه سبب نمی‌شد ایشان از حرکت بازایستند و حکومت جهانی مهدی موعود را به فراموشی سپارد.

بر همین اساس بود که ایشان می‌فرمود: «جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه‌ای روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد 42 که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می‌رفت تا عربه شوم «أنا ربکم الاعلی» از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا 22 بهمن 57 که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج دو هزار و پانصد ساله فرعون گونه ستم‌شاهی به دست توانای زاغه‌نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراج‌گری‌ها و حکم‌فرمایی‌های شیطان بزرگ و شیطانک‌های وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی معدود بیش نبود، [...] ولی

تحوّلی که کمتر از صد سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایّام معدود و ساعات محدود تحقق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد: «ولیس من الله بمستنکر» که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الأعظم، صاحب العصر - ارواحنا له الفداء - روشن فرماید و پرچم توحید و عدالتی الهی را در عالم بر فراز کاخ‌های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. «و ما ذلك علي الله بعزيز». (همان، ج 18، صص 11 و 12)

امام راحل با ژرف اندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت(ع)، مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشند، برحذر می‌داشت و می‌فرمود: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا له الفداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند». (همان، ج 21، ص 108)

از این رهنمود به خوبی استفاده می‌شود که امام خمینی(ره)، تشکیل حکومت جهانی اسلام را یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی می‌دانست. از همین رو، معتقد بود که مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید همه تلاش خود را برای ایجاد این حکومت به کار برند و متوجه باشند پرداختن به برنامه‌های توسعه، حتی یک لحظه، آنها را از این هدف بزرگ باز ندارد؛ چون غفلت از آن، «خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد».

*** دیدگاه امام خمینی درباره انتظار و وظایف منتظران تا چه حد بر روایات وارد شده در این زمینه منطبق است و آیا می‌توان در این زمینه شواهدی از روایات نقل کرد؟**

**** بله، یکی از وظایفی که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد(ع) است، کسب آمادگی‌های نظامی و فراهم کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری امام غایب است. در روایتی که نعمانی از امام صادق(ع) نقل کرده، آمده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم(ع) [سلاحی] آماده کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند و از یاران و همراهانش قرار گیرد». (محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ص 320، ج 10)**

در روایت دیگری، شیخ کلینی از امام ابوالحسن موسی کاظم(ع) نقل می‌کند: «... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند». (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 6، ص 535، ح 1)

همچنین شیخ کلینی از ابوعبدالله جعفری، روایتی را نقل می‌کند که توجه به مفاد آن سودمند است: «حضرت ابوجعفر محمد بن علی (امام باقر)(ع) به من فرمود: منتهای زمان مرابطه (مرزداري) نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: چهل روز. فرمود: ولی مرابطه ما مرابطه‌ای است که همیشه هست...». (همان، ج 8، ص 381، ح 576)

علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام می‌فرماید: «بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام برحق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری‌اش آماده باشند». 43 (محمد باقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 26، ص 582).

شیخ محمدحسن نجفی نیز در کتاب «جواهرالکلام» در شرح این روایت می‌فرماید: «مرباطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنان‌که در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مرابطه مصطلح در فقه». (جواهر الکلام، ج 21، ص 43). شاید بتوان گفت کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام مجلسی برمی‌گردد که فرمود: مرابطه در این روایت به معنای آمادگی برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد، این است که زمان ظهور مشخص نیست و هر آن‌که اراده خداوند تعلق گیرد، ممکن است ظهور رخ دهد. بنابراین، شیعیان باید همواره در حال آماده باش به سر برند تا در زمان ضرورت، به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ستم‌کاران جهان به پا خیزند. با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع پی ببریم. ابن بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد: «ندبه شیعیان حله برای امام زمان: ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب‌الزمان» می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب‌الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب‌الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: «بسم الله، ای صاحب‌الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته. وقت آن است که برآیی تا خدا به وسیله تو، حق را از باطل جدا گرداند...». و به همین ترتیب، به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...». (ابن بطوطه، سفرنامه، ج 1، ص 272). بنابراین، با توجه به روایات، سخنان فقها و سیره پیروان اهل بیت(ع) در زمان‌های مختلف، به روشنی می‌توان دریافت که زمینه‌سازی برای ظهور و آماده باش همیشگی برای این رویداد بزرگ از

وظایف شیعیان است.

***: به نظر شما انقلاب اسلامی چه تأثیری بر فرهنگ مهدویت و انتظار در ایران داشته و موجب چه تحوли در این فرهنگ شده است؟**

****:** به مدد اندیشه ژرف و افکار بلند رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) فرهنگ مهدویت و انتظار که تا پیش از آن زمان هم‌معنا با سکون و سکوت، پذیرفتن وضع موجود و بی‌تفاوتی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، به عنوان فرهنگی پویا و حرکت‌آفرین و پشتوانه نظری مستحکم برای تشکیل حکومت صالحان در عصر غیبت مطرح شد.

در این مجال، فرصت بررسی تفصیلی نقش انقلاب اسلامی در تحول و پویایی فرهنگ مهدویت و انتظار نیست و تنها به مقایسه اجمالی شاخصه‌های رویکرد مهدوی در پیش و پس از انقلاب اسلامی بسنده می‌کنیم:

شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت است. تا پیش از اوج‌گیری نهضت امام خمینی(ره) شاخصه‌های رویکرد مهدوی غالب عبارت بودند از:

۱. توجه به امام مهدی(ع) تنها به عنوان «منجی موعود» و نجات‌بخشی که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه دردها، رنج‌ها و نابرابری‌ها پایان می‌دهد؛

۲. تمرکز نگاه بر «عصر ظهور» بدون داشتن هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در «عصر غیبت»؛

۳. خلاصه شدن «وظایف منتظران» در دعا برای تعجیل فرج و نزدیک‌تر شدن ظهور منجی موعود؛

۴. تأکید صرف بر «ولایت‌ورزی» (تولی) و بی‌توجهی به «برائت‌جویی» (تبری) از همه مظاهر کفر، شرک و نفاق در عصر حاضر.

حضرت امام خمینی با طرح دیدگاه‌ها و نظرات بدیع خود، باب جدیدی را در حوزه مهدویت و انتظار گشود و شاخصه‌های رویکرد مهدوی را دستخوش دگرگونی و تغییر اساسی ساخت. مطالعه آثار و سخنان امام راحل(ره) نشان می‌دهد که در دیدگاه ایشان مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد مهدوی عبارتند از:

۱. توجه به امام مهدی (ع) به عنوان آخرین «حجت خدا» و امام حی و حاضری که نسبت به وضعیت حال مسلمانان نیز بی‌تفاوت نیست؛

۲. از نظر دور نداشتن «عصر غیبت» و تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه‌سازی برای ظهور؛

۳. توسعه وظایف و تکالیف منتظران و منحصر نشدن این وظایف به دعا برای تعجیل فرج و درخواست ملاقات با آن حضرت؛

۴. توجه به «برائت‌جویی» به عنوان مقدمه و شرط «ولایت‌ورزی» واقعی.

با مقایسه این شاخصه‌ها به خوبی می‌توان به عمق و گستره تحوли که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در باور مهدوی و فرهنگ انتظار ایجاد شد، پی برد.

توجه به سخنان و رهنمودهای امام خمینی(ره) در سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی درباره مفهوم انتظار، وظایف منتظران و نسبت جامعه اسلامی عصر غیبت با جامعه عصر ظهور، که در پاسخ پرسش قبلی به برخی از آنها اشاره کردم، به خوبی ما را با شاخصه‌های مهدویت و انتظار در قرائت آن رهبر فرزانه آشنا می‌کند.

***: از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، سپاس گزاریم.**